

## تمدن ایلام

یکی از درخشان‌ترین مقاطع تاریخ ایران باستان، دوران تمدن «ایلام» است. ایلامیان، بنیان‌گذاران نخستین پادشاهی در گستره‌ی ایران بوده‌اند. نام این سرزمین در زبان ایلامی، «Hal-Tamti» و به معنای «کشور سرور» بوده است. شکل نوشتاری این نام در خط میخی سومری به صورت «NIM.KI» بوده و به گونه‌ی Elam(ma) (در سومری) و Elamtu (در اکدی) خوانده و تلفظ می‌شده است. هخامنشیان این سرزمین را Uja می‌خواندند که نام کنونی «خوز» (= خوزستان) بازمانده‌ی همین واژه است. ایلامیان به لحاظ قومی، به تبار «آسیانیک» تعلق داشته‌اند. گستره‌ی کشور ایلام، شامل خوزستان و لرستان کنونی، پشتکوه و کوه‌های بختیاری بوده است. بدین معنی که، از غرب به رود دجله، از شرق به استان فارس، از شمال به کوه‌های بختیاری و از جنوب به خلیج فارس محدود می‌شده و البته در دوران اوج قدرت خود، وسعتی افزون‌تر از این نیز داشته است. کشور ایلام از دو بخش کوهستانی و دشتی تشکیل می‌شد. بخش دشتی آن شامل سرزمین‌های غربی ایلام، و مرکز آن شهر «شوش» بود، و بخش کوهستانی آن شامل نواحی شرقی ایلام، و کانون آن شهر انشان / انزان [Anshan / Anzan] (واقع در محل بیضای فارس) بود. سرزمین ایلام در غالب تاریخ خود به شکل فدرال اداره می‌گردید و به مرکزیت شهرهای بزرگ آن، حکومت‌های مستقل و خودگردانی تشکیل می‌یافت. اما هر گاه که قدرت دولت مرکزی ایلام فزونی می‌گرفت، این حکومت‌های جداگانه را متحد می‌ساخت و زیر فرمان خود درمی‌آورد. نخستین دودمان شناسایی شده‌ی حاکم بر ایلام، دودمان برآمده از شهر «اوان» Avan بود که شه‌یاران آن، از حدود ۲۵۰۰ تا ۲۲۰۰ پیش از میلاد فرمان‌روایی می‌کردند.

ایلام با همسایگان پرتوان خود چون سومر و اکد - و سپس - بابل و آشور، همواره در ارتباط و میان‌کنش نزدیکی قرار داشت که این پیوندها، گاه خصمانه و گاه دوستانه بود. اما به هر حال، روابط موجود میان این سرزمین‌ها، باعث ارتقا و پیش‌رفت فرهنگی و تمدنی آن‌ها می‌گردید.

با افزایش قدرت «اکد» Akad در منطقه، از حدود ۲۵۵۰ پ.م. بخش عمده‌ای از ایالات ایلامی برای مدتی طولانی تحت سیطره‌ی شاهان اکد قرار گرفت و حتی خط و زبان اکدی نیز بر ایلامیان غالب گشت. با حمله‌ی «گوتی»‌ها در حدود ۲۱۲۰ پ.م. به میان‌رودان (= بین‌النهرین)، قدرت و نفوذ اکد در منطقه از میان رفت و باعث گردید که پادشاهی شهر سومری «اور» Ur نفوذ خود را به ایلام گسترش دهد. در این زمان، دودمان پادشاهی برآمده از شهر ایلامی «سیمشکی» Simashki به عنوان دست‌نشانندگان سومر، بر بخش‌هایی از ایلام فرمان می‌راندند. ایلامیان در حدود سال ۲۰۰۶ پ.م. توانستند که به شهر اور حمله کنند و با شکست آن، برای مدتی، مستقل گردند؛ اما کشمکش‌های طولانی ایلام و سومر،

مانع از آن می‌گردید که ایلامیان، به اهداف خود دست پیدا کنند. با برآمدن دولت آموری در بابل و از میان رفتن قدرت سومر، اینک بابلیان و ایلامیان رویاروی هم قرار گرفته بودند. اما این همورابی (۵۰-۱۷۹۲ پ.م.) پادشاه بابل، بود که توانست با شکست ایلامیان، قدرت خود را بر آنان حاکم سازد. در حدود سال ۱۷۰۰ پ.م. «کوتیر نهونته» (Kutir-Nahhunte) پادشاه ایلام این شکست را جبران کرد و شمار فراوانی از شهرهای بابل را فتح نمود. با تسلط دراز مدت «کاسی»ها بر بابل (۱۱۶۰-۱۵۹۵ پ.م.) ایلامیان نیز از آسیب این فاتحان جدید میان‌رودان در امان نماندند. اما در نهایت، ضعف و سستی بابل - هم‌اورد همواره‌ی ایلام - در دوره‌ی تسلط کاسی‌ها، منجر به اعتلای عظمت ایلام و تجدید قوای آن گردید و تحولات عمیقی را در این سرزمین، در پی آورد. در این زمان، پادشاهان ایلام توانسته بودند که قدرت خود را بر دو ایالت عمده‌ی شرقی و غربی این سرزمین، یعنی انشان و شوش، گسترش دهند. سده‌ی سیزدهم پ.م. عصر زرین تمدن ایلام بود، دورانی که در آن، شهریارانی توانا و برجسته، قدرت و عظمت ایلام را به اوج خود رسانده بودند.

در سال ۱۱۶۰ پ.م. «شوتروک نهونته» (Shutruk-Nahhunte) پادشاه ایلام، موفق به برانداختن دولت کاسی بابل گردید و فرمان‌روایی ایلام را بر بابل استوار نمود و اشیاء و تن‌دیس‌های مقدس را از معابد بابلی به شوش منتقل کرد. در زمان پادشاهی «شیلهک اینشوشینک / Shilhak-Inshushinak» (حدود ۱۱۵۱-۱۱۶۵ پ.م.) فتوح ایلام به نقاط دور دست گسترش یافت و سپاهیان وی در شمال، از ناحیه‌ی دیاله گذشته و به منطقه‌ی کرکوک رسیدند و قوای آشور را هر چه دورتر راندند. در نهایت، سراسر دره‌های دجله، بخش اعظم کرانه‌های خلیج فارس و دامنه‌های غربی زاگرس فتح گردید و ایلام، نخستین پادشاهی سرزمین ایران را با متحد ساختن مناطق مفتوح، پدید آورد. هم‌گام با این دستاوردهای نظامی و سیاسی، در اوضاع فرهنگی ایلام نیز تحولات گسترده‌ای روی داد و واکنش‌هایی علیه تمدن‌های بیگانه برانگیخته شد و در نتیجه‌ی آن، کتیبه‌ها هر چه بیش‌تر به خط و زبان ایلامی نگاشته شد و هنر و معماری ایلامی، به ویژه در منطقه‌ی شوش، به اوج پیش‌رفت خود رسید.

با افزایش دوباره‌ی قدرت بابل، در حدود ۱۱۱۰ پ.م.، پس از کشمکش‌هایی طولانی، «نبوکدنزر» (Nabuchadnezzar) پادشاه بابل، بر ایلام چیره گشت و شهرهای آن را تاراج کرد. در این روزگار، آشور در شمال و بابل در جنوب میان‌رودان، به عنوان دو قدرت عمده و برتر منطقه، برای کسب برتری، همواره در ستیزه و کشمکش بودند. بر همین زمینه، در سال ۷۱۰ پ.م. «سارگن» (Sargon) پادشاه آشور به جنگ علیه بابل برخاست. اما پادشاه بابل به ایلام پناه برد و سپس به یاری ایلامیان موفق به شکست آشور شد. در زمان «سنخاریب» (Sennacherib) پادشاه آشور، ایلامیان و آشوریان برای تسلط

بر بابل وارد جنگ‌های شدید و بی‌نتیجه‌ای شدند اما سرانجام در سال ۶۸۹ پ.م. بابل به تصرف آشور درآمد. در سال ۶۵۳

پ.م. سپاه «آشور بنیپل» (Ashurbanipal) پادشاه آشور، و «تمپتی هومین اینشوشینک» (Tempti-Humban-)

Inshushinak) به نبردی سرنوشت‌ساز وارد شدند که نتیجه‌ی آن سقوط ایلام و غارت و ویرانی شوش به دست آشوریان بود. پس از آن، دولت ایلام هرگز نتوانست که خود را کاملاً احیا کند؛ هر چند که استقلال قومی ایلامیان، تا صدها سال بعد، تداوم داشت.

مردمان قوم آریایی «پارس» در آخرین مرحله از مهاجرت خود - از آسیای میانه به نجد ایران - در سده نهم / هشتم پ.م. در سرزمین‌های ایلامی مستقر شدند و به زندگی در میان ایلامیان و در شهرهای بزرگ ایلام پرداختند. پارس‌ها از سده‌ی هفتم پ.م. به بعد، با اتکا به آموخته‌ها و دستاوردهای مادی و معنوی خود از تمدن درخشان ایلام، حکومتی خودگردان را در ایالت «انشان» تشکیل دادند و همین سرزمین، زمانی بعد، تبدیل به خاستگاه امپراتوری عظیم هخامنشی گردید. در اعصار بعد، پیوند پارس‌ها و ایلامیان آن گونه بود که از زمان داریوش کبیر به بعد، شوش - مرکز ایلام - تبدیل به پای‌تخت زمستانی پادشاهان هخامنشی شد و ایلامیان در عرصه‌های مختلف این امپراتوری نوپا - اعم از امور دیوانی و نظامی - به فعالیت و همکاری با پارس‌ها پرداختند.

\*\*\*

در هزاره‌ی چهارم پ.م.، به موازات ابداع نخستین خط تصویری در سومر، ایلامیان نیز موفق به اختراع خط مشابهی گردیده بودند که از آن برای ثبت و نگه‌داری حساب‌ها و معاملات خود استفاده می‌کردند. این خط احتمالاً ۱۵۰ نشانه داشته است. بعدها از این خط صرفاً تصویری، به تدریج یک خط «هجایی» به وجود آمد که حدود هشتاد نشانه داشت. از اواخر هزاره‌ی سوم پ.م.، اندک اندک، خط اکدی - که سرانجام به خط میخی معروف تبدیل گشت - جانشین خط پیشین ایلامیان شد اما در طول سالیان بعد، ایلامیان این خط وام گرفته شده را ساده و پیراسته کرده و تا مرز نوشتار الفبایی رساندند. زبان ایلامی، زبانی بسیار دشوار است که تاکنون شناسایی کامل آن ممکن نشده و پیوند مستقیم آن با دیگر زبان‌های منطقه، دقیقاً ثابت نگردیده است. این زبان، به لحاظ دستوری، زبانی «پیوندی» است که با افزودن پسوندهای گوناگون به پایان واژه، و نیز میان‌وندهایی خاص و پسوندهایی ضمیری به ریشه‌ی فعل، بیان می‌شده است. زبان ایلامی گرچه به لحاظ دستوری ساختار آسانی را نشان می‌دهد، ولی از نظر محتوایی، به علت کم‌بود نوشته‌های باقی مانده از این زبان، امکان آگاهی کامل بر ابعاد و امکانات آن، مقدور نشده است.

بخش عمده‌ای از باورها و اندیشه‌های دینی و اسطوره‌ای ایلامیان بر نوعی عبودیت و احترام به زن و زنانگی و پرستش

«مار» استوار بوده است. در باورهای ایلامی، «مار» موجودی مقدس و حافظ آب و خرد و ثروت و عامل دور دارنده‌ی نیروهای اهریمنی دانسته می‌شد. حضور تصویر مار بر بسیاری از اشیاء و ظروف و نگاره‌های بازمانده از ایلام، نمودار اهمیت نماد مار و به ویژه نقش برکت‌بخشی آن می‌باشد.

ایلامیان نیز چون بسیاری از تمدن‌های کهن خاورمیانه، معتقد به نظام مادرسالاری بودند؛ چنان که در رأس خدایان‌شان، ایزدبانوان قرار داشتند و حتا در نظام پادشاهی آنان نیز، مقام سلطنت از تبار زنان به ارث می‌رسید و منتقل می‌شد و مردان، به نیابت از زنان دودمان سلطنتی، به پادشاهی می‌رسیدند. در نظام اجتماعی ایلامیان نیز زنان از اعتبار، منزلت و حقوقی گسترده برخوردار بودند. در هزاره‌ی سوم پ.م. ایزدبانویی به نام Pinikir (از منطقه‌ی شوش) سرور خدایان ایلام دانسته می‌شد. ایزدبانوان مشابهی نیز به نام Kririsha و Parti در منطقه‌ی بوشهر و انشان پرستیده می‌شدند. در طول هزاره‌ی دوم پ.م. با قدرت گرفتن نظام پدرسالاری، خدایی نرینه به نام «هومبن» (Humban) بر خدایان مادینه‌ی پیشین برتری یافت و پرستش آن در سراسر سرزمین ایلام معمول گشت. سومین خدای بزرگ ایلامیان «این‌شوشینک» (In-shushinak) بود. این ایزد - که خدای شهر شوش بود - در پی ارتقای شوش از مرتبه‌ی شهری عادی به مقام پای‌تختی پادشاهی ایلام در هزاره‌ی دوم پ.م.، به عنوان ایزدی برتر و سراسری شناخته شد. در هزاره‌ی نخست پ.م.، «هومبن، کریریش و اینشوشینک» تثلیثی کاملاً تثبیت شده را به عنوان سران طبقه‌ی خدایان ایلامی تشکیل می‌دادند.